



۲۰۱۵/۱۲/۲۷

عبدالجلیل جمیلی

قبیح ترین جنایت روس و پاکستان دربی هویت سازی رسمی افغانستان

که سرافگندگی مؤژاخذین! تا حکمرانان امروزی را هم با خود دارد!!

امروز به تقریب روز منحوس و خونین قدم روز ۷ ثور؛ مطلبی سراپا مستند را بشما فرزندان صدیق وطن عرضه می دارم که قویاً قابل توجه بوده و اساساً همین مطلب را قبلاً در ماه فروری ۲۰۰۲ با مواصلت بکابل و لادراک بودن تمام اسناد و مدارک و ذخایر آرشیفی دوایر دولتی و عرض وجود کردن معضله بی هویتی مامورین دولت (بشمول وزارت امور خارجه) مستقیماً به وزیر امور خارجه حکومت موقت (داکتر عبدالله خون!) و سپس به شخص رئیس دولت موقت حامد کرزی یاددهانی کرده بودیم و با برگشت به امریکا این مطلب حیاتی را در ماه فیروزی ۲۰۰۶ میلادی در نشریه وزین مردم افغانستان در لاس انجلس کلیفورنیا به صورت مکمل و مشرح به نشر رسانیده بودم.



این مطلب مهم همانا طوری که در بالا ذکر شد - بی هویت سازی عمدی فعالیت ها و اجراات روزمره دوایر دولتی رسمی افغانستان و زیر پرده بردن سیر تاریخی آرشیفی وطن ما بوده که در قدم اول روسان غدار متجاوز و بعد ها پاکستانی با دزدیدن یک سره همه مدارک دولتی و قرارداد های اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و اسنادی که مدارک جریان امور روز مره دولتی دوایر مختلفه افغانستان با دول مختلف و در حقیقت رکن جریان تاریخ زنده ملت افغانستان شمرده می شد و تا قبل از تجاوز قوای روس غدار در اکثر ذخایر محفوظ اسناد تاریخی افغانستان اعم از آرشیف و مدیریت معاهدات و حقوق وزارت امور خارجه تا وزارت های اطلاعات و فرهنگ و معارف و مالیه و دیگر دوایر و مؤسسات علمی تا موزیم های افغانستان به صورت مصوون و سالم ذخیره شده بودند که توسط روسها و سپس پاکستانی ها به سرقت برده شدند که عصاره موضوع را مستنداً بدین وسیله به اسحضار شما می رسانم:

روس غدار و چگونگی جنایتش درین راه: روس ثور و غدار با تجاوز نا مردانه و مغرضانه اش نه تنها محمد داؤد رئیس جمهور افغانستان را به شهادت رسانیده و ۱۷ نفر از اعضای فامیلش را (به شمول مرد و زن و اطفال صغیر و معصومش) قتل عام کردند و بلکه با تجاوز قوای نظامی تا دندان مسلح اش به خاک ما و قتل عام بیش از دو میلیون افغان پاک سرشت و بیگناه - تا توانستند در تباهی وطن و وطنداران ما کاری کنند که بر جنایات هتلری خط بطلان بکشند!!

هموطنان ارجمند! برای جلوگیری از طول کلام به عرض مرام می روم که:

طوری که اطلاع دارید بعد از جلسه بن - از آغاز سال ۲۰۰۲ میلادی حکومت مؤقت اداره امور افغانستان را عهده دار شده و از همان آغاز وزیر امور خارجه وقت - داکتر عبدالله به ما سه نفر مامورین سابقه وزارت امور خارجه (آقایون محمد انور نیکو و رحمت الله مهر و اینجانب) مستقیماً تلفون کرده و خواهش کردند که برای دوام همکاری با وزارت امور خارجه به وطن برگردیم و باز هم صرف نظر از جریان این سفر خاطره انگیز - به روز ۲۲ فبروری ۲۰۰۲ که یک روز قبل از روز عید قربان بود به کابل رسیدیم و با اولین ملاقات وزیر امور خارجه و صرف نان چاشت به فردای آن با اشتراک در مراسم ادای نماز عید اضحیٰ در ارگ با جناب کرزی معرفی شدیم که فردای آن آغای وزیر امور خارجه برای سه روز برای دست بوسی پوتین خان عازم مسکو شدند!

به روز چهارم که دور میز نان چاشت وزارت نشسته بودیم آغای وزیر امور خارجه رو به طرف ما سه نفر کرده و گفتند که چون قرار گفته مدیر کدر و پرسونل (مدیریت مامورین سابق) ما در آرشیف وزارت هیچ نوع سند و مدرکی و دفاتر سوانح مامورین را در اختیار نداریم و همه آن قبل از ما تلف شده است ازین رو از خود شما خواهش می کنیم که یک مرتبه دیگر سوانح قلمی خود را ترتیب کرده و به دسترس ما برای اجراء لازم بسپارید!

و چون حسب معمول وزارت امور خارجه هر مامور یک نقل سوانح خود را نزد خود میداشت ما هم همان کاپی دست داشته خود را برای مزید معلومات شان به دسترس شان قرار دادیم.

گرچه هفته بعد هم آغای وزیر امور خارجه سفری و سپس سفرهای متعددی به مسکو داشت!!

ولی هیچ نوع امیدی نمی رفت و نشانه ای هم ظاهر نگردیده که عبدالله خان در جریان ۶ سال قصر مرمر نشینی و سفرهای متعدد علنی و بی صدا به مسکو؛ حتی قدرت و شهادت یاددهانی بر بی هویتی افغانستان را کرده و از روس و هم از حکومت چودری ها همه آنها خواسته باشد.

هم چنان کرزی خان در دور ۱۳ سال ارگ نشینی خود که در اینجا و آن مجلس به دیدار رهبران کریمین می رسید و یا بیش از بیست بار سفر به پاکستان و درد دل با کراچی و آنها داشت؛ هیچ دوری نشد که با سر بلند و زبان رسا موضوع به سرقت بردن - اسناد مهم تاریخی و مدارک مستندی را که ذخایر افتخار بخش تاریخ درخشان دیروز و فردای ما و بیان کننده راد مردی نیکان ماست با باداران کریمینی و یا کراچی و آنها مورد بحث قرار داده و بر استرداد مکمل آن یا فشاری کرده باشد.

یادی از مرحوم مغفور محمد نسیم بهار مامور وزارت امور خارجه و امثال شان بخیر که زمانی که قوای اشغالگر شوروی بر افغانستان تسلط یافته و تزه کی، حفیظ الله امین و ببرک کارگل را مسند نشین ارگ ساختند عده ای از مامورین هر یک از وزارتخانه ها را به طور گرفتند تا توسط آنها و کمک شان اسناد را یک یک ارزیابی کرده و با خود ببرند و مخصوصاً قابل یادآوریست که مرحوم نسیم بهار را (که مدت زمانی تحصیلاتی در لسان روسی و هم یک دور ماموریتی در سفارت افغانستان در مسکو و تجربه لازم هم داشت) او را مؤظف ساختند تا با آرشیفیست های روسی همکاری کرده و با بررسی هر فایل آن را تنظیم کرده و آماده بردن به مسکو بسازند و چون این انسان پاک سرشت اتکایی نداشت که ازین جنایت سر باز زده و یا جلوگیری نماید - به قرار گفته خانمش روزها که از دفتر به خانه می رفت - جز اشک

و آه و افسوس و خود تعذیر کنی که با این کار هر روز مرتکب خیانت ملی می شود! در سقوط اشتها و کم خوابی بیش از ۴ ماه را پوره نکرده با یک حمله قلبی جهان کثافات روس مشربان را پدروود گفت.

و از جاتی هم قابل تذکر است که مرحوم محمد نعیم خان شهید برادر شهید محمد داؤد خان سالیان متمادی نفر خدمت خانه پرورده داشت به نام عبیدالله (اهل پنجشیر) که مثل فرزند در همه امور زندگی شان سر و کار داشته و حتی بعضاً (بنا بر همجواری منزل دو برادر) به منزل شهید محمد داؤد خان رفت و آمد و کار و خدمتی می کرد.

چون در کابینه ریاست جمهوری داؤد خان شهید - عبدالحمید محتاط منعیث وزیر مخابرات (آنهم اهل پنجشیر) موقف حساسی داشته و قرابتی به همین عبیدالله نمک حرام می رسانید - پس از مدتی؛ البته با اشاره و تطمیع باداران روس محتاط، عبیدالله را در همکاری با خود (در حقیقت به نوکری غداران شوروی کشانیده) و همه آنچه را که در زندگی شباروزی شخصی و خصوصی این دو برادر می گذشت - بیخار و بی صدا بدست می آوردند!

اما همین عبیدالله بعد ها به این و آنی می گفته که چند روز بعد ازینکه خانه شهید محمد نعیم خان تخلیه شد و اهل منزلی در آن نماند یک تعداد صندوق هایی به ظرفیت تابوت به آنجا آورده می شده و ضمناً یک تعداد نظامیان و ملکی روس بدانجا رفت و آمد می کرده و شبانگاه همه آن صندوق ها را از اشیائی که از جاهای مختلف و آثار موزیمی می آوردند پر و بسته بندی کرده و بعد از نصف های شب با وسایط ترانسپورتنی نظامی از آنجا می بردند (و وقایع بعدی هم نشان داد که این دغل دوستان با مطالعه دقیق همه مراجع و امکانات - که چه در کجاست و به همین وسیله همه را جمع و بسته بندی کرده و نامردانه به چپاول می بردند و بعدها هم روشن شد که در آرشیف های ما از مقاولات و قرارداد های اسبق و مهم افغانستان مانند معاهده ننگین دیورند و معاهده گلستان و اسناد به رسمیت شناختن استرداد استقلال افغانستان و دیگر موافقت نامه های همکاری های اقتصادی و تکنیکی و زراعتی و امثال آن با همه کشورهای جهان - به شمول شوروی سفاک و هچنان در موزیم های ما هیچ نمونه ای از آثار افتخار بخش افغانستان مانند شمشیر مزین و تفنگچه تاریخی غازی شهید وزیر محمد اکبر خان که با ضربت آن مکناتن ملعون نماینده برتانیه را در سال ۱۸۴۱ میلادی به جهنم فرستاد و امثال آن !! باقی نمانده اند.

لطفاً با اشاره به شرارت های این ایام کرزی که درین ایام قصر نشینی و مفت خوری بازهم به یاد ایام ارگ نشینی افتاده و هیچ هم خجالت نمی کشد و باید به او گفت که کرزی آغا! این همان آغای دکتور محمد اشرف غنی است که در راه انتخابش با دو جین امریکائی (خلیلزاد و جلالی) تپیدی که مقام طلبی های داکتر عبدالله بد چشم چران را قیضه بزنی و امروز هم نمی دانی که شاعری چه تنبیهت می کند!!

ای کر...زی (چوب را آب فرو می نبرد دانی چیست؟ - شرمش آید ز فرو بردن پرورده خویش)

کافیست که با یک دور فریبکاری و ۱۳ سال جنایت و ربای خوری احمدی نراد و طالب برادری چلو صافت از آب برآمده و ننگ است بر تو نام آدمیت از سرزمین تُر دُوران !! و چه بهتر که پاچه گیر خریطه بردار ربای (داودزیت) را پوز بند بزنی زیرا هرچه از حد بگذرد رسوا شود و محکمه مردمی هم در پیش!!

اما این جیره خور جنرال حمید گل و برده همه جا باچه دسایس ددمنشانه با گروه شیادان جهاد پیمای به گوشت و پوست این ملت تباہ شده چسپیده و برای ارزی غرایض حیوانی و هم دلخوشی بادارانش برده وار می تپند که شما دوستان ارجمند با این مدرک مستند به ارزش نا انسانی و ضمیر تاریک این هیولا بروشنی کامل آشنا میشوید و اینهم مثال زنده آن:

رئیس پیشین "آی.اس.آی" عبدالله عبدالله را نامزد مناسب خواند (با تشکر از رادیو آزادی)

منتشره دعوت Thursday, ۱۲, ۰۶, ۲۰۱۴, ۱۱:۰۴am (GMT)



پیروزی داکتر صاحب عبدالله عبدالله پیروزی پاکستان است -
جنرال حمید گل ریس اسبق استخبارات پاکستان

جنرال متقاعد حمید گل رییس پیشین اداره استخبارات پاکستان در راولپندی در مصاحبه با فرانسپرس گفته است که عبدالله عبدالله یکی از دو نامزد دوردوم انتخابات افغانستان یک امید خوب برای صلح دانسته شده می تواند. وی افزوده است که برای صلح در افغانستان تا به یک شخصیت علمی و اکادمیک به یک جنگجو نیاز است. جنرال حمید گل می گوید که عبدالله برای صلح امتیازات زیاد دارد و اگر هدف صلح باشد که باید هم باشد، وی یک جهادی است و معاونینش نیز جهادی ها اند.

این هیولای قصی القلب عقده ای پرکتی مرحوم غلام محی الدین هلمندی هرگز به صداقت کار و عفت داری ناموس دیگران ارزشی قایل نبوده و خصوصاً با ضعف یا جبونی اداره کرزی آغا آن قصر مرمرین مسجد نمای بنیادگذاران آن (شهید محمد داؤد خان و شهید محمد نعیم خان) را که پیش چشم ما قد برافراشت؛ مرکز فحشا و کثافت دامن ها ساخته ز.... را (که شوهری ایرانی بود! و تابعیت افغان خودش قانوناً باطل – برکرسی حقوق بشر وزارت امور خارجه و سپس بر کرسی دائمی افغانستان در مقر بین المللی جهانی حقوق بشر نصب کرد که ایرانی بستر شریکش هم از آخور می خورد و هم از توبره!! دیگرش را دفتر و وزارت ندیده مستشار در کشور ک.... ساخت و و، و و حتی در ماه سپتمبر ۲۰۰۴ در روز روشن و وقت کار در دفتر رسمی بر ناموس همسر دوران بازارک و نظارتی خود تجاوز کرده آنها دیوس بی ننگ را بر دو سفارت در آن زمان و همین روز ها به کرسی سفارت در ب.... در اروپا رساند. این نمونه داستان هایش سر مگس است و دنباله دار !

و اما در سرقت بیت المال ملت بینوای افغان کافیسٹ دوسیہ تحقیق جناب دکتور اسپنٹا را به حیث وزیر خارجه ورق بزیند (که کرزی خان بزدل آنرا دیده و قرُ گفت و امر حفظ داده) و تنها همین قلم عواید صکوک ۶ ساله ۵۰ سفارت ۱۶ جنرال قونسالگری = ۲۹۷ میلیون دالر بوده است که داکتر بدچشم همه اش را زهر جان کرده و قصه علی هذا القیاص!!
داره جهاد پیمای معاش خور جنرال حمید گل در پشاور و ریال شعاران خمینی مشرب مقیم مشهد یک بار دیگر به پهلوی چپ خوابیده و هزیان گوئی حراست افغانستان و در حقیقت ریسمان دار ملت مظلوم و پنجال شیران افغان را به گردن خود حس کرده به تیتک! در آمده اند و نمی دانند که:

چراغ ظلم ظالم برای هرگز نمی سوزد اگر نمی سوزد، دم دیگر نمی سوزد!

**** * ****

و مطلبی هم برای روشنی بهتر تاریخ فرار ربانی یف و چهار کلاهش از کابل:

گرچه قبلاً در نوامبر سال ۲۰۰۶ محترم عبدالقادر هوتک در جریده مردم افغانستان منتشره لاس انجلس نوشته بودند که در ۱۲ سپتمبر ۱۹۹۷ در خواجه بهاولدین استاد برهان الدین ربانی رئیس دولت ۴ ولایتی افغانستان که مرکز کابل و دیگر ولایات را به طالبان تسلیم کرده و فرار را بر قرار ترجیح داده بود و قرار داد یا متارکه بلا منازعه یکطرفه افغانستان را (با معافیت شوروی های متجاوز از پرداخت غرامات تجاوز و جنگ تحمیل شده بر افغانستان امضاء کرده و در بدل بقای دولتک خودی، همه دار و ندار و تجهیزات نظامی افغانستان را بر تخت روان دولت روس گذاشته و برای تضمین بقای ولایات خود همچو موافقت نامه شرم آور را **به نام افغانستان بی زبان با جنرال یوری بتونی قوماندان قوای نظامی روس در افغانستان** (در حضور و به مشوره ارکان گریختگی خود - که مسعود باشد و غانونی و بسم الله و عبدالله و عارف و فهیم آغاخان و غیره) **امضاء کرده به سر راهی هیأت روسی بقایای رژیم تزاری!! همه دار و ندار ذیل تجهیزات نظامی ملت افغان را به تضمین کنندگان سر و مال خود بخشیده بودند** که محترم محمد اعظم سیستانی به تاریخ ۱۱ سپتمبر ۲۰۱۱ در مورد پیش کشی همه دار و ندار ما از طرف گروه نظاری به جانب روس چنین می نویسد:

از این گذشته صاحب نظر افغان محمد داوود مومند از قول جناب مرادزی احصائیه سلاح و مهماتی را که از حکومت داکتر نجیب الله برای احمدشاه مسعود مانده بود قرار ذیل بدست میدهد:

- ۱- سلاح سبک و ثقیل پیاده، یک میلیون میل،
- ۲- انواع مختلف توپها و هاوان بیشتر از ۶۰۰ هزار میل،
- ۳- انواع مختلف تانکها ۲۵۰۰ چین.
- ۴- انواع مختلف زرهپوش ۳۰۰۰ عراده.
- ۵- وسایل مختلف ترانسپورتنی ۲۹۰۰۰ عراده
- ۶- طیارات ترانسپورتنی، شکاری (میگها) و هلیکوپترها ۴۵۰ بال
- ۷- دستگاه های مخابره، استحکام، لوژیستیک و وسایط دستگاه های دیگر ۴۸۰۰ پایه
- ۸- پرزه جات فالتو برای استعمال وسایط، سلاح و مهمات معادل پنج میلیارد دالر
- ۹- هشت دستگاه راکت سکاد

۱۰- انواع راکت‌های ریاکتیف یکصد هزار فایر

۱۱- دیپوی مهمات بیشتر از یک صد هزار تن

۱۲- راکت‌های لونا، اوراگان، سکر، استلا ۱۰،

۱۳- فابریکات ترمیم طیارات و البسه نظامی و غیره و غیره

(قیمت مجموعی این وسایط و وسایل نظامی به صدها میلیارد دالر بالغ می‌گردد.) ولی همه را ربانی یف دو دسته/ تحت عنوان - من زنده جهان زنده - گفته !! / به روس ها پیش کش کرد.

ولی درین ایام نزدیک دوست گرامی و قابل اعتماد دیگری که در همین جلسه روس با نوکران نظاری اش حضور داشته میگوید که جنرال "یوری بتونی" عضو هیأت روس بوده و آن شخصی که موافقتنامه را با ربانی یف امضاء کرد قوماندان عمومی تمام قوای روس در میدان جنگ افغانستان (جنرال رُچ کوی بوده است)

پاکستانی های دون همت و جنایات شان در افغانستان:

چنانچه در همان آغاز اشاره داشتم بر این که در زمان مواصلت ما سه نفر مامورین سابقه وزارت امور خارجه به کابل و لادریک بودن تمام دوسیه های سوابق کاری ما در آن وزارت روزی یکی از مامورین مسؤل (ولی سابقه دار آن وزارت که قرار بود موصوف را با خود بچیث عضو سفارتکبرای جدیدالتشکیل افغانستان به کانادا ببرم) چون هنوز در آن وزارت کار می کند از بردن اسم شان معذرت می خواهم! به صورت بسیار محرم بمن چنین معلومات دادند: که خودش از مامورین اسبق بوده و در دور تحولات بازم در وزارت مانده و زمانی که طالبان کابل را اشغال کرده و به وزارت امور خارجه هم مسلط شدند در حقیقت این تیم استخبارانی و سیاسی پاکستان بود که همه امور و منجمله وزارت امور خارجه را اداره کرده و از تمام دوایر و شعبات همه فایل ها و اوراق دفتر داری را و آنچه را که روس ها نبرده بودند یکایک طبقه بندی و جمع کرده و همه را به وزارت خارجه پاکستان انتقال داده و قرار مسموع آنجا مدیریتی را بر این فایل ها حاکم ساختند که مدیریت امور افغانستان نامیده شده است.

او گفت مثال بزرگ آن این است که روزی یک مؤرخ بزرگ و باستان شناس معروف سویسی به اسم "پاول بُوخِر" مربوط مرکز مطالعات افغانستان در سویس با نامه ای از وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان به وزارت امور خارجه آمده و می خواست به ریاست روابط فرهنگی وزارت امور خارجه مراجعه کند که بنا بر سوابق ۲۰ ساله همکاری اش در افغانستان به او مکتوبی تائیدییه داده شود که به رویت آن وزارت اطلاعات و فرهنگ اجازه دوام همکاری را به او بدهند. ولی وزارت اطلاعات و فرهنگ بدون اینکه اعتراف به نداشتن اسنادی در هیچ موردی به شمول سوابق او اشاره کند بار مسؤولیت خود را با بی صدائی به گردن وزارت امور خارجه انداخته.

موصوف علاوه می کند! چون از همه جریان اطلاع داشتم و همین دانشمند را هم از سابق می شناختم او را گوشه کرده و برایش گوشزد کردم که اگر می خواهد امورش طبق مراد پیش برود بهتر است بدون ضیاع وقت به اسلام آباد و وزارت خارجه پاکستان (مدیریت امور افغانستان مراجعه کرده) مکتوب دست داشته خود را به آنها ارائه کند تا مشککش حل شود و او همان لحظه با من خدا حافظی کرده و رفت. او سه روز بعد به دیدنم محظ برای ابراز تشکر آمده و گفت که به قرار توصیه شما همان روز به طرف اسلام آباد رفته و با ملاقات با مدیر امور افغانستان مکتوبم را به او ارائه

کردم - چند دقیقه بعد با ملاحظه فایل آنرا تصدیق و مهر کرده با خوش روئی برایم داد که با ارائه آن به وزارت اطلاعات و فرهنگ افغانستان سندی بمن دادند که دوباره به کارم شروع کرده می توانم .

پس ای هموطن ماتم شریکم این نمونه گک اعمال شنیع عمال دون همتان را مد نظر دارید زیرا:

اینست صفحات تاریک تاریخ ما و نتایج اعمال تاریک ضمیبرانی که اگر هر ورقی از روزگار کثیف زندگی و دنانت و فرومایگی شان ورق زده شود جز کثافت و نفرت و انزجار نام و خاطره ای و ثمر نیکی از آن به چشم نمی خورد.

فعتبرو ای اول الا بصر

پایان کلام امروز با دوعای بقای افغانستان سر بلند دشمن شکن! انشاءالله

عبدالجلیل جمیلی

۶ جدی ۱۳۹۴ / ۲۷ دسمبر ۲۰۱۵

